

نیکسون سیاست معروف دوستون رادر منطقه خلیج فارس داشت که امنیت خلیج فارس توسط دوستون وابسته به آمریکا (ایران و عربستان) تأمین شود. با آنکه هر دو کشور وابسته به آمریکا بودند و امریکایی ها تلاش زیادی کردند که پیمان امنیتی میان ایران و عربستان بسته شود، این اتفاق رخ نداد و شاه و دولت عربستان زیر بار نرفتند. سال ۸۱ در دولت اصلاحات با وجود مخالفت امریکایی ها ما (دولت اصلاحات) توانستیم با عربستان یک

پیمان امنیتی امضا کنیم؛ اگر اعتمادسازی شود، این مهم قابل دستیابی است. ما در دولت اصلاحات عربستان را به عنوان ناظر برای شرکت در مانور نیروی دریایی دعوت کردیم تا نشان دهیم خطری برای شما نیستیم. این احساس اگر دوجانبه ایجاد شود، فکر می کنم مسأله را پیش خواهیم برد و بسیار امیدوار به همکاری های منطقه ای هستیم.

به سیاست داخل برگردیم؛ موانع سیاست برد-برد در سیاست داخلی و تحقق آشتی ملی رادر چه می دانید؟

در پست اینستاگرامی در شب پیش از مراسم تشییع آقای هاشمی تأکید کردم که این مراسم را به اولین گام در آشتی ملی تبدیل کنیم؛ مشکل آشتی ملی در این است که ننشستیم گفت و گو کنیم؛ مگر ما با هم چقدر اختلاف نظر داریم؟ بر سر چه موضوعاتی اختلاف نظر داریم؟ اگر واقعیت این است که ما در زمینه سلامت نظام ما داریم، دفاع از امنیت ملی، رشد اقتصادی کشور و... توافق داریم این مواردی که گفت و گو میان طرفین است. اما هیچ گاه در مورد آن گفت و گو نکردیم و فقط از دور به صورت تریبونی به هم بد و بیراهه گفتیم. معتقدم انتخاب آقای روحانی نتیجه یک گفت و گو ناکفته و اعلام نشده است. بسیاری از اصولگرایان پشت سر آقای روحانی آمدند و رأی دادند؛ ما هم رأی دادیم؛ اما رویمان نشد بگوییم که با هم توافق کردیم، خوب بگوییم با هم توافق کردیم. این گفت و گو را علنی کنیم، چرا رودربایستی داریم؟ این برای جامعه هم نتیجه مثبتی دارد. اگر طرفین با هم صحبت کنیم و به مردم هم اعلام کنیم ما سر این موضوعات گفت و گو کردیم و در این موارد هم با هم اختلاف نظر داریم، تکلیف جامعه هم روشن می شود. به نظر من فضای امروز و خطراتی که کشور را تهدید می کند، این الزام را برای ما به وجود آورده که مجبوریم با هم راه حل مشترک پیدا کنیم.

اصلاح طلبان بارها دعوت به گفت و گو کردند، علت پرهیز علنی اصولگرایان چیست؟

در این ایام مرتب با خود فکر می کردم این آقایانی که آمدند در تلویزیون دربار آقای هاشمی صحبت کردند، پارسال کجا بودند؟ اگر حرف هایشان درست است، نشان می دهد از یک جایی می ترسند، یعنی جوسازی برخی از بخش ها و فضا سازی های تند غیر اخلاقی باعث می شود که افراد نتوانند مکتونات قلبی خود را صریح اعلام کنند. قضایی که امروز شاهد هستیم و در مورد آقای هاشمی به توافق رسیدیم که فرد خوبی بوده است، همین را ادامه دهیم. پس مسیری که آقای هاشمی طی می کرده، مسیر خوبی بوده است، همه همان را ادامه دهیم.

به ادامه این مسیر امیدوار هستید؟

چون راهی غیر از این وجود ندارد، امیدوار هستم.

اصلاح طلبان می گویند انتخابات آتی از آقای روحانی حمایت می کنند، این حمایت ایجابی است یا گریزی از آن نیست؟

فرض کنیم هر دو گزینه درست است، چه فرقی می کند ما در دنیای سیاست با واقعیت ها روبه رو هستیم. اکنون شخصی غیر از آقای روحانی وجود ندارد که بتواند اهداف ما را پیش ببرد. شما به آن می گوئید ناچاری؛ من می گویم گزینه مناسب را پیدا کردیم. جامعه آنقدر متکثر است که نمی شود از دور اس طیف، گزینه انتخاب کرد. ما برای آن گفت و گو ملی هم نیازمند این هستیم که فردی که وسط میدان است را انتخاب کنیم، به این می گوئید ناچاری؛ من می گویم گزینه مناسب است. بنابراین آقای روحانی

با توجه به شخصیت، رأی آوری حتی از میان اصولگرایان و اینکه می تواند منشأ گفت و گو ملی باشد، ایشان را به گزینه مناسب تبدیل می کند.

باتوصیفاتی که برای آقای روحانی به کار بردید، فکر می کنید ایشان می توانند کار کرد سیاسی آقای هاشمی را ایفا کنند؟

واقعیت این است که کسی نمی تواند جای آقای هاشمی را پر کند و رفتن ایشان هم به خاطر سابقه و هم نوع رفتارشان خسارت سنگینی بود. تصورم این است که آقای روحانی یکی از افرادی است که می تواند در یک مجموعه شخصیت ها جایگزین آقای هاشمی شوند. در شرایط کنونی با توجه به وضعیت سیاسی - امنیتی و فضای حاکم بر رقابت های سیاسی کشور، شخصیتی به تنهایی نمی تواند جایگزین آقای هاشمی شود.

عمده انتقاداتی که طیف اصولگرا علیه دولت روی آن مانور می دهند، موضوع اقتصادی و معیشت است، شما شاخص های عملکرد اقتصادی دولت را چطور می بینید؟ آیا بر اساس دولتی که تحویل گرفت توانسته مسیر مناسبی را طی کند؟

اگر دولتی بر سر کار آمد و در آمد نفت ما را قطع کرد یا افزایش داد، در مورد آن می توان قضاوت کرد یا خیر؟ آقای روحانی در آمد نفت را افزایش داده است و نتیجه و قضاوت در مورد عملکرد اقتصادی دولت روشن است. تصور کنید صادرات نفت ما به ۵۰۰ هزار بشکه می رسید، دولت حتی توان پرداخت حقوق کارکنان را هم نداشت. همین الان که فروش نفت رونق دارد، با مشکل در آمد های دولت مواجه هستیم. تصور کنید که روند گذشته ادامه می یافت، آیا تورم مشکل کشور ما بوده یا خیر؟ چه قشری بیشتر از آن آسیب می بیند؟ فقرا یا اغنیاء؟ چه کسی تورم را کنترل کرده است؟ آقای روحانی، می گویند آقای روحانی به طبقات ضعیف و روستاها رسیدگی نکرده است. من یک مثال می زنم؛ تولید گندم در سال آخر دولت آقای احمدی نژاد ۴/۵ تا ۵ میلیون تن بوده است؛ امسال تولید گندم ۱۴ میلیون تن رسیده است؛ پول تولید گندم به جیب چه کسی غیر از روستائیان می رود؟ اختلاف ۵ میلیون با ۱۴ میلیون تن چه میزان است؟ همه این به جیب ضعیف ترین قشر جامعه ما رفته است.

یکی از انتقادهایی که به آقای روحانی می شود، این است که چرا وضعیت واقعی کشور را برای مردم تشریح نکرده و نگفتند که چه میراثی را تحویل گرفته اند؟

آقای روحانی باید یک روز بیاید موارد را با مردم بگوید. آقای علم الهدی خطاب به دولت آقای روحانی گفته بود پول نفت را کجا بردید؟ این بهترین فرصت است، آقای روحانی پاسخ ایشان را بدهند که ۱۰ سال گذشته پول نفت کجا رفته است. همین یک مطلب کافی است تا تکلیف مملکت روشن شود که چه کسانی پول مملکت را به تاراج بردند، باقی آن دیگر لازم نیست. من همیشه به تیم اطلاع رسانی دولت از جمله شمداد روزنامه ایران انتقاد داشتم که نتوانستند آنچه را که انجام شده، به مردم منتقل کنند. وظیفه آقای روحانی است که این موارد را حداقل برای ثبت در تاریخ اعلام کند که دولتی (دولت احمدی نژاد) که بیشترین شعار را در طرفداری از فقرا داد، بیشترین ضربه را به این قشر زد.

با این همه نقدهای که طرف مقابل به دولت آقای روحانی دارد، فکر می کنید اصولگرا ها بر نامه قابل توجهی هم برای اداره کشور دارند؟

مجلس هفتم، هشتم و نهم مجلس اصولگرایان بوده است؛ دولت نهم و دهم هم دولت اصولگرایان بوده است؛ نتیجه آن بر باد رفتن ۸۰۰ میلیارد دلار در آمد نفتی است. وضع فقر جامعه، اعتیاد، طلاق و... لازم نیست آنان برای آینده برنامه ارائه کنند؛ بگویند در سال هایی که در قدرت بودند، کدام برنامه اقتصادی پیش برنده را در کشور اجرا کردند؟ مشت نمونه خروار است دیگر. ما (اصلاح طلبان) ادعا داریم؛ ما معتقدیم در دولت اصلاحات که در آمد نفتی به حداقل رسید؛ ما بالاترین نرخ رشد اقتصادی را شاهد بودیم. آنان هم بیایند چنین ادعایی مطرح کنند ما (اصلاح طلبان) معتقدیم در دولت آقای روحانی نرخ تورم از



۴۵ درصد به ۱۵ درصد (نه ۸ و ۱۰ درصد) رسیده است. آنها هم می توانند بیایند چنین ادعایی داشته باشند. تکلیف روشن است؛ آقای نیلی اعلام کرد اشتغال در دولت آقای احمدی نژاد صفر بوده است؛ فقط یک نفر بیاید پاسخ دهد جرأت و جسارت داشته باشد و بگوید دکتر نیلی اشتباه می گوید؛ اگر حرفی نمی زنند، معلوم هست که برنامه ای ندارند.

این روزها شاهد طیف های مختلفی در جریان اصولگرا هستیم و به نظرمی رسد برخی از این طیف ها تلاش می کنند خود را از زیر سایه سنگین عملکرد دولت احمدی نژاد بیرون بکشند. شما این طیف ها را چگونه می بینید؟

همه کسانی که عاقلانه فکر می کنند؛ تغییر مسیر دادند و به مسیر اعتدال و اصلاح نزدیک شدند؛ اما لازم است که صراحتاً نقدهای گذشته داشته باشیم و آن دوستان ما هم می خواهند بگویند از طیف تند رو جدا شدیم، بیایند بگویند به چه بخش هایی از طیف گذشته نقد داشتند. هنوز برای جامعه روشن نشده است و این از نقاط تاریک مسأله است. آیا یادشان رفته که افتخار می کردند که احمدی نژاد را سر قدرت آوردند؟ اگر هنوز افتخار می کنند که همان مسیر را ادامه دهند. اگر اشتباه کردند که صراحتاً با مردم صحبت کنند که ما (اصولگرایان جدا شده از احمدی نژاد) در این مسیری که پیش رفتیم، اشتباه کردیم. این اتفاق نیفتاده و نیازمند گفت و گو و رود روی طیف های معتدل اصولگرایان با جامعه است. ما هنوز نمی دانیم این طیف های اصولگرا در چه زمینه ای با هم اختلاف و در چه مواردی اشتراک دارند. نقطه اختلاف و اشتراکشان روشن نیست و این شبهه را به وجود می آورد که همه این مسائل برای منافع شخصی و گروهی دور می زند که امیدواریم این گونه نباشد.

تصورم این است که عقلای اصولگرا (اگر بشود اسمشان را اصولگرا گذاشت) بعد از شکست در انتخابات ۹۲ و ۹۳ حتماً به جمع بندی های خوبی رسیدند. اما جسارت بیان این را ندارند. امیدوارم آنقدر شفاف بشوند که بیایند بوبه مردم یک نقد از گذشته خود مطرح کنند؛ آن موقع اتفاق مناسبی در سیاست ما رخ می دهد. نگرانی عمده ما این است که آقای روحانی بدون رقیب پیروز شود.

جای خوشحالی دارید یا نگرانی؟

این به ضرر دموکراسی در کشور است؛ از دوستان عقلای اصولگرا دعوت می کنم که بیایند با مردم صحبت کنند و نقد گذشته داشته باشند و یک شخصیت را به صحنه انتخابات بیاورند و به شکل جدی با آقای روحانی رقابت کنند. این به نفع کشور و به نفع همه ما است.

با این اوصاف شما آقای روحانی را بی رقیب می دانید؟

من تصورم این است که بی رقیب هستند.

اگر بخواهیم پایگاه رأی آقای روحانی را با سال ۹۲ مقایسه کنیم، چه روندی طی شده است؟

این نیازمند نظر سنجی و نگرش سنجی دارد که من دسترسی ندارم؛ تصور ذهنی ام این است که وضعیت آقای روحانی از گذشته بهتر شده است. بر اساس مشاهدات عینی خود می گویم.

فکر می کنید رقبای آقای روحانی در مدت باقی مانده تا انتخابات در چه زمینه هایی علیه دولت فعال شوند؟

نقطه ای که رقبای می خواهند استفاده کنند، وضع عمومی و معیشتی مردم است که این ناشی از عملکرد دولت آقای روحانی نیست. عملکرد ایشان در جهت بهبود وضع معیشتی مردم بوده است و این نکته باید به مردم منتقل شود که وضع بد معیشتی ناشی از عملکرد هشت ساله دولت احمدی نژاد است. بیکاری، رکود، جذب نشدن سرمایه خارجی همه ناشی از قبل است. آقای طیب نیا گفت وقتی امام جمعه ای می گوید ۳۰۰ مدیر کشور دزد هستند، کدام سرمایه گذار خارجی می آید با دزد همکاری کند؟ ما برای ایجاد اشتغال نیازمند سرمایه کافی و سرمایه خارجی هستیم که فقط با اعتماد سازی امکان پذیر است. آیا این کار را کردیم؟ نه نمی توانیم چون در اختیار دولت نیست.

دولت چه ضرب الاجل هایی را باید در فرصت باقی مانده تا انتخابات در دستور کار قرار دهد؟

نوعی نبود انسجام در درون دولت هم از نظر سیاسی و رفتار های اجرایی مشاهده می شود که دولت باید مکانیزمی برای آن تعریف کند و نظارت بر رفتار اعضای دولت داشته باشد. مثلاً صدا و سیما از دووزار تخانه دو کارشناس می آورد که هر دو طرف علیه همدیگر هستند. من معنای این را متوجه نمی شوم، با خود می گویم دو تا رقیب هستند؟ دودستگاه اجرایی که حق ندارند این گونه سیاست های هم را زیر سؤال ببرند. ناهماهنگی در بخش بیرونی و ظاهری دولت بسیار مشهود است. دستگاه اطلاع رسانی دولت هم نتوانسته به میزانی که دولت کار کرده، به مردم منتقل کند که باید تقویت شود.